

## تبرک به معصومان علیهم السلام بعد از حیات در میراث حدیثی امامیه

### درآمد

تبرک جستن به آثار اولیای الهی و هر آنچه که به گونه‌ای به آنان انتساب دارد، از دیر باز مورد بحث و نزاع بوده است. این مسأله عده‌ای از نویسندگان را به نگارش در این باره واداشت. از آنجا که این نگاه‌ها عموماً با استناد به میراث حدیثی اهل سنت بوده، بر آن شدیم نگاره‌ای در این خصوص، با استناد به منابع امامیه به همراه بررسی ارزش‌مندی آنها بر پایه قواعد دانش رجال سامان دهیم.

### تبرک به معصومان علیهم السلام بعد از حیات

جستجوگری در منابع امامیه ما را به روایات قابل توجه و دارای استحکام مطابق با استانداردهای دانش حدیث، در خصوص تبرک و انتفاع به هر آنچه که بعد از حیات معصومان علیهم السلام به گونه‌ای به آنان انتساب دارد، رهنمون می‌سازد. قبلاً لازم به ذکر است انتفاع از این امور، هرگز به عنوان یک اثر طبیعی آنها نیست؛ بلکه تأثیر گذاری‌شان آنگاه خواهد بود که با قصد تبرک و انتفاع، همراه بوده باشد حال آنکه اگر اثر طبیعی آن می‌بود هیچ‌گاه متوقف بر قصد نمی‌بود. شفا بخش بودن نیم خورده مؤمن، تربت امام حسین علیه السلام، آب زمزم، آب فرات و ... که در این نگارش خواهد آمد، به همین منوال است.

(احمدی میانجی (معاصر)، التبرک، ص: ۲۸۹)

#### ۱. تبرک به منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (روایت دارای دو سند صحیح است)

مطابق نقل کلینی و ابن قولویه، امام صادق علیه السلام مسح منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان عاملی برای بهبودی و شفای چشم بیمار سفارش می‌کند. بدون شک چنین عملی از سوی یک نفر، معنایی جز بهره‌وری و تبرک، نخواهد داشت. صاحب وسائل هم این روایت را ذیل باب "استحباب إتيان المنبر والروضة ومقام النبي صلی الله علیه و آله واستلامها والتبرک بها" جای داده است.

الحر العاملی، محمد بن الحسن (متوفای ۱۱۰۴هـ)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۴، ص

۳۴۵، تحقیق و نشر: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴هـ.

این هم جالب است که امام و بزرگ حنابله هم مطابق روایتی که فرزندش نقل نموده، دست کشیدن منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جهت تبرک را امری کاملاً مشروع می‌داند. او می‌گوید:

سألته عن الرجل يمس منبر النبي صلى الله عليه وسلم ويتبرك بمسه ويقبله ويفعل بالقبر مثل ذلك أو نحو هذا يريد بذلك التقرب إلى الله جل وعز فقال لا بأس بذلك.

عبد الله بن احمد می‌گوید: از پدرم پرسیدم درباره کسی که منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را مس می‌کند و از این راه بدان متبرک می‌شود و آن را می‌بوسد، همچنین این کار را درباره قبر آن حضرت انجام می‌دهد و می‌خواهد با این وسیله به خداوند تقرب جوید، پدرم گفت: مشکلی در این کار نیست.

الشیبانی، ابو عبد الله أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱هـ)، العلل ومعرفة الرجال، ج ۲، ص ۴۹۲، تحقیق: وصی الله بن محمد عباس، ناشر: المكتب الإسلامي، دار الخانی - بیروت، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۸ - ۱۹۸۸.

ذهبی هم در این باره می‌گوید:

وقد ثبت أن عبد الله سأل أباه عن يلمس رمانة منبر النبي صلى الله عليه وسلم ويمس الحجرة النبوية فقال: لا أرى بذلك بأسا.

این موضوع در جایش ثابت است که عبد الله بن احمد از پدرش درباره کسی که قبّه منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را لمس نموده، همچنین حجره آن حضرت را مس می‌کند، پرسید او در جواب گفت: در این کار اشکالی نمی‌بینم.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸هـ)، سير أعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۲۱۲، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسی، ناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: التاسعة، ۱۴۱۳هـ.

لازم به ذکر است هر دو روایت در منابع امامیه از ناحیه سند، کاملاً معتبر و قابل اعتمادند. در ادامه متن دو روایت به همراه بررسی سندشان تقدیم می‌گردد:

سند اول: معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

روایت نخست را مرحوم کلینی به شکل زیر آورده است:

علي بن إبراهيم عن أبيه ومحمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان عن ابن أبي عمير وصفوان بن يحيى عن معاوية بن عمار قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا فرغت من الدعاء عند

قبر النبي صلى الله عليه وآله فائت المنبر فامسحه بيدك وخذ برمانتيه وهما السفلاوان وامسح عينيك ووجهك به فإنه يقال: إنه شفاء العين.

امام صادق عیه السلام فرمود: هر گاه از خواندن دعاء در کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شدی نزد منبر برو و دو قبه پائین آن را بگیر و صورت و دیده گانت را به منبر مسح نما زیرا موجب شفای چشمان می باشد.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۳، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

#### بررسی سند:

جلالت قدر ابراهیم بن هاشم قبلا بیان گردید. آیت الله خوئی در شرح حال ابراهیم بن هاشم (پدر علی بن ابراهیم) می گوید:

لا ینبغی الشک فی وثاقه ابراهیم بن هاشم ویدل علی ذلك عدة أمور: الاول: أنه روی عنه ابنه علی فی تفسیره كثيرا وقد التزم فی أول کتابه بأن ما یذکره فیہ قد انتهى إليه بواسطة الثقات. الثاني: أن السید ابن طاووس ادعی الاتفاق علی وثاقته. الثالث: أنه أول من نشر حدیث الکوفیین بقم والقمیون قد اعتمدوا علی روایاته وفیهم من هو مستصعب فی أمر الحدیث فلو کان فیہ شائبة الغمز لم یکن یتسالم علی أخذ الروایة عنه وقبول قوله.

هیچ تردیدی در وثاقت ابراهیم بن هاشم وجود ندارد به دلیل آنکه: اولاً: فرزند او (علی بن ابراهیم) در تفسیرش از او روایت کرده است و او ملتزم شده که از افراد مورد وثوق در تفسیرش روایت کند. ثانیاً: سید بن طاووس ادعا کرده که وثاقت ابراهیم بن هاشم اجماعی است. ثالثاً: او اولین نفری بوده که احادیث اهل بیت علیهم السلام را در قم آورده و قمی ها به روایات او اعتماد داشتند در حالی که در میان قمی ها افرادی بودند که در امر حدیث سخت گیر بودند و اگر او را مورد اعتماد نمی دانستند این چنین احادیث او مورد قبول در میان آنان نبود.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای ۱۴۱۱ هـ)، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۹۱، الطبعة الخامسة،

۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۲ م

نجاشی درباره فضل بن شاذان می گوید:

کان ثقة، أحد أصحابنا الفقهاء والمتکلمین.

او فردی ثقة و یکی از فقهاء و متکلمان از اصحاب ماست.

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰ هـ)، فهرست أسماء

مصنفي الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۳۰۷، تحقیق: السید موسی الشیبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر

الاسلامی - قم، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۶ هـ.

ابن ابی عمیر هم در نگاه نجاشی "جلیل القدر و عظیم المنزله" است

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۳۲۶، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

آخرین راوی از این سلسله، معاویه بن عمار است. نجاشی درباره او می‌گوید:

**كان وجهها في أصحابنا و مقدا كبر الشأن عظیم المحل ثقة.**

در میان اصحاب جایگاه ویژه دارد و دارای منزلتی بزرگ و مورد وثوق است.

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۴۱۱، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

**سند دوم: معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام**

ابن قولویه همین روایت را در کامل الزیارات به صورت ذیل انعکاس داده است:

**حدثني جعفر بن محمد بن إبراهيم الموسوي عن عبد الله ابن نهيك عن ابن أبي عمير عن**

**معاوية بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام ...**

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۵۰، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

**بررسی سند**

جعفر بن محمد بن ابراهیم به عنوان نخستین فرد از این سلسله، همچون دیگر مشایخ بلاواسطه او، به شهادت مولف، همگی مورد وثوق‌اند. وی در مقدمه کامل الزیارات در این باره می‌نویسد:

**ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا.**

روایاتی که از طریق افراد مورد وثوق از اصحاب به دست ما رسیده است.

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۳۷، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

نجاشی درباره راوی بعدی یعنی ابن نهیک می‌گوید:

**الشیخ الصدوق، ثقة.**

شیخ راستگو و مورد وثوق است.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢٣٢، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

جایگاه بلند ابن ابی عمیر و معاویه بن عمار نیز بیان گردید.

**٢: تبرک به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط امام سجاد علیه السلام**

مطابق برخی روایات، امام سجاد علیه السلام خود را به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می چسباند سپس مشغول دعا می شد. این عمل هم می تواند به جهت تبرک به قبر آن حضرت بوده باشد. این گزارش با دو سند ذیل به ثبت رسیده است:

**سند اول: امام صادق از امام سجاد علیهما السلام**

گزارش نخست را مرحوم کلینی در کتاب کافی چنین آورده است:

أبو علي الأشعري عن الحسين بن علي الكوفي عن علي بن مهزيار عن الحسن بن علي بن عثمان بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عن علي بن جعفر عن أخيه أبي الحسن موسى عن أبيه عن جده عليهما السلام قال: كان أبي علي بن الحسين عليهما السلام يقف على قبر النبي صلى الله عليه وآله فيسلم على ويشهد له بالبلاغ ويدعو بما حضره ثم يسند ظهره إلى المروة الخضراء الدقيقة العرض مما يلي القبر ويلتزم بالقبر ويسند ظهره إلى القبر ويستقبل القبلة فيقول اللهم إليك ألبأت ظهري وإلى قبر محمد عبدك ورسولك أسندت ظهري والقبلة التي رضيت لمحمد صلى الله عليه وآله استقبلت اللهم إني أصبحت لا أملك لنفسي خير ما أرجو ولا أدفع عنها شر ما أحذر عليها.

حضرت علي بن الحسين علیهما السلام نزدیک قبر نبي اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می ایستادند، ابتداء به آن جناب سلام می دادند و پس از آن شهادت به بلاغ داده و بدنالش به آنچه صلاح و صواب می دانستند دعاء می فرمودند و سپس به سنگ سبز باریکی که نزدیک قبر می باشد تکیه داده و خود را باین نحو به قبر می چسباندند، پشت به قبر داده و روی مبارک به قبله می فرمودند و این دعا می خواندند: بار خدایا قصدم را به جانب تو معطوف داشتم و پشتم را به قبر پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که بنده و فرستاده تو است تکیه دادم.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨هـ)، الکافی، ج ٤، ص ٥٥٢، ناشر:

اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢ هـ.ش.

سند دوم: امام صادق از امام سجاد علیهما السلام

همین گزارش را صاحب کامل زیارت با سند ذیل به ثبت رسانده است:

حدثني أبو عبد الرحمان محمد بن أحمد بن الحسين العسكري عن الحسن بن علي بن مهزيار عن أبيه علي بن مهزيار عن علي بن الحسين بن علي بن عمر بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عن علي بن جعفر بن محمد عن أخيه أبي الحسن موسى بن جعفر عن أبيه عن جده قال: كان علي بن الحسين عليهما السلام يقف علي قبر النبي صلى الله عليه وآله ...

القمی، ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل زیارات، ص ۵۲، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

۳: تبرک به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط امام رضا علیه السلام (روایت دارای سند صحیح است)

بر پایه برخی روایات امام رضا علیه السلام نیز چنین عملی را اجام داده است.

سند اول: حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام

نخستین گزارش را شیخ صدوق با سندی قابل قبول، به صورت ذیل انعکاس داده است:

حدثنا أبي رضي الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد ابن محمد بن عيسى عن الحسن بن علي بن فضال قال رأيت أبا الحسن عليه السلام وهو يريد ان يودع للخروج إلى العمرة فاتى القبر عن موضع رأس النبي صلي الله عليه وآله و سلم بعد المغرب فسلم على النبي صلي الله عليه وآله و سلم ولزق بالقبر ثم انصرف حتى اتى القبر فقام إلى جانبه يصلى فالزق منكبه الأيسر بالقبر قريبا من الأستوانة التي دون الأستوانة المخلفة عند رأس النبي صلي الله عليه وآله و سلم ... وذكر بعض أصحابه انه الصق خده بأرض المسجد.

حسن بن علی بن فضال می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که چون میخواست با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم وداع کند و به قصد عمره بیرون رود، بعد از مغرب آمد نزدیک قبر در موضع سر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و بر پیغمبر سلام کرد و خود را بقبر چسبانید پس از آن برگشت و از طرف دیگر قبر آمد و در آن مکان ایستاد و نماز گذارد. پس از آن شانه چپ خود را بقبر چسبانید نزدیک آن ستونی که بعد از آن ستونی بود که راست سر پیغمبر (ص) بود... راوی گوید که بعضی از اصحاب ما ذکر کرد که دو طرف صورتش را بر روی زمین مسجد گذاشت.

القمي، ابي جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى ٣٨١هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ٢، ص ١، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ - ١٩٨٤ م

#### بررسی سند

پدر شیخ صدوق به عنوان اولین نفر در این سلسله جلالت قدرش روشن است. نجاشی درباره او می گوید:

**علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي أبو الحسن شيخ القميين في عصره ... و ثقتهم.**

او شیخ قمی ها در زمان خود و مورد وثوق آنان بوده است.

النجاشی الأسدی الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٢٦١، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

نجاشی درباره راوی دوم یعنی سعد بن عبد الله اشعری، می گوید:

**سعد بن عبد الله الأشعري القمي شيخ هذه الطائفة و فقيها و وجهه.**

وی شیخ این طایفه و فردی دارای جایگاه ویژه است.

النجاشی الأسدی الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ١٧٧، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ

شیخ طوسی درباره أحمد بن محمد بن عیسی، می گوید:

**وأبو جعفر هذا شيخ قم و وجهها**

ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی، بزرگ اهل قم و نزد آنان دارای جایگاه بوده است.

الطوسی، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الفهرست، ص ٦٨، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الأولى ١٤١٧

وی درباره حسن بن علی بن فضال با عبارت "ثقة" یاد می کند.

الطوسی، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، رجال الطوسی، ص ٣٥٤، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامی - قم، الطبعة: الأولى، ١٤١٥هـ

**سند دوم: حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام**

همین روایت را مرحوم ابن قولویه، با تفاوتی اندک چنین گزارش می کند:

وباسناده (حدثني جماعة مشايخي عن سعد بن عبد الله عن أحمد ابن محمد بن عيسى) عن الحسن بن علي بن فضال ...

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفى ٣٦٧هـ)، كامل الزيارات، ص ٧٠، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ١٤١٧هـ

٤: تبرک به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توسط امام جواد علیه السلام

آخرین گزارش در این باره مربوط به طواف امام جواد علیه السلام به دور قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. چنین عملی هم می‌تواند به جهت تبرک به قبر آن حضرت باشد:

محمد بن یحیی و أحمد بن محمد، عن محمد بن الحسن، عن أحمد بن الحسين، عن محمد بن الطیب، عن عبد الوهاب بن منصور، عن محمد بن أبي العلاء قال: سمعت یحیی بن اکثم - قاضي سامراء - بعد ما جهدت به وناظرته و حاورته و واصلته و سألته عن علوم آل محمد فقال: بينا أنا ذات يوم دخلت أطوف بقبر رسول الله صلى الله عليه وآله فرأيت محمد بن علي الرضا عليهما السلام يطوف به.

محمد بن ابی العلاء گوید: بعد از آنکه یحیی بن اکثم قاضی سامرا را آزمایش کردم و با او مباحثه و گفتگو نمودم و رفت و آمد کردم و راجع بعلوم آل محمد پرسیدم، شنیدم که می‌گفت: روزی داخل (مسجد مدینه) شدم و قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را طواف می‌کردم، در آن میان محمد بن علی الرضا علیه السلام را دیدم مشغول طواف است ...

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۱، ص ۳۵۳، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

٥: تبرک به مکان نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

کلینی و ابن قولویه گزارشی را نقل نموده که امام صادق علیه السلام به نماز خواندن در مکان نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سفارش می‌کند. روشن است این امر می‌تواند به جهت شرافت و تبرک به آن مکان بوده باشد.

سند اول: عقبه بن خالد از امام صادق علیه السلام

متن نخست مطابق گزارش کلینی چنین است:



محمد بن یحیی ، عن محمد بن الحسین ، عن محمد بن عبد الله بن هلال ، عن عقبه بن خالد قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام أنا نأتي المساجد التي حول المدينة فبأيها أبدء؟ فقال: ابدء بقباء فصل فيه وأكثر فإنه أول مسجد صلى فيه رسول الله (صلى الله عليه وآله) في هذه العرصة ثم أتت مشربه أم إبراهيم فصل فيها وهي مسكن رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومصلاه ثم أتني مسجد الفضيل فتصلي فيه فقد صلى فيه نبيك.

عقبه بن خالد نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبد الله عليه السلام پرسیدم: من به مساجدی که اطراف مدینه است می‌روم به کدام یک از آنها آغاز کنم؟ حضرت فرمودند: ابتداء به مسجد قبا برو پس در صحن آن بسیار نماز بخوان چه آنکه قبا اول مسجدی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن نماز گزاردند سپس به مشربه ام ابراهیم برو و در آن نماز بخوان زیرا این مکان مسکن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جای نماز آن حضرت بود پس از آن به مسجد فضیل برو و در آن دو رکعت نماز بخوان زیرا پیغمبر شما در آن نماز خوانده است.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۵۶۰، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند دوم: عقبه بن خالد از امام صادق علیه السلام

ابن قولویه همین گزارش را با سند ذیل آورده است:

حدثني جماعة مشايخي عن محمد بن يحيى عن محمد ابن الحسن الصفار عن محمد بن

عبد الله بن هلال عن عقبه بن خالد قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام ...

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفای ۳۶۷ هـ)، کامل الزیارات، ص ۶۸، تحقیق: الشیخ جواد

القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷ هـ.

۶. تبرک به تربت امام حسین علیه السلام (روایات متواتر و معتبر است)

تبرک و بهره‌وری از تربت سالار شهیدان و قبر مطهر او، مورد سفارش موکد پیشوایان ماست.

در ادامه مشروح این روایت‌ها به همراه بررسی صحت و سقم آن خواهد آمد:

متن اول: فإذا تناولها أحدكم فليقبلها وليضعها على عينيه وليمرها على سائر جسده

شیخ الطائفة روایتی را نقل می‌کند که در آن امام صادق علیه السلام تربت امام حسین علیه

السلام را شفای هر درد و موجب امنیت از هر خطر می‌داند. به همین منظور به بوسیدن تربت، بر

روی چشم گذاشتن و کشیدن آن به اعضای بدن، سفارش می کند. صاحب وسائل این روایت را ذیل " باب استحباب الاستشفاء بتربة الحسين عليه السلام والتبرك بها وتقبيلها ... " آورده است

الحر العاملی، محمد بن الحسن (متوفای ۱۱۰۴هـ)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۴، ص ۵۲۱، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴هـ.

أخبرنا ابن خثيش عن محمد بن عبد الله قال حدثني محمد بن محمد بن معقل القرميسيني العجلي قال حدثنا إبراهيم بن إسحاق النهاوندي الأحمري قال حدثنا عبد الله بن حماد الأنصاري عن زيد أبي أسامة عن الصادق عليه السلام: إن الله جعل تربة جدي الحسين عليه السلام شفاء من كل داء وأمانا من كل خوف فإذا تناولها أحدكم فليقبلها وليضعها على عينيه وليمرها على سائر جسده ...

امام صادق عليه السلام: خداوند تربت جدم حسين عليه السلام را شفای هر دردی قرار داد پس هرگاه کسی از شما آن را گرفت، ببوسد و بر روی چشم قرار داده و بر سایر اعضای بدنش مسح کند.

الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الأمالی، ص ۳۱۹، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ.

**متن دوم: حنکوا أولادکم بتربة الحسين عليه السلام**

گذاشتن مقداری از تربت امام حسین علیه السلام در دهان نوزاد مضمون برخی روایت- هاست. این عمل که در لسان احادیث به آن تحنیک گفته می شود چیزی جز متبرک ساختن فرزند بدان نمی باشد. چنانچه ذیل همین روایت امنیت و در امان بودن نوزاد به برکت تحنیک به تربت را یاد آور می شود. ابن قولویه در طی روایتی چنین می نگارد:

حدثني محمد بن جعفر الرزاز عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن موسى بن سعدان عن عبد الله بن القاسم عن الحسين ابن أبي العلاء قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: **حنكوا أولادكم بتربة الحسين عليه السلام فإنها أمان.**

امام صادق عليه السلام: فرزندان را با تربت امام حسین علیه السلام کام بگیرد که همانا موجب در امان بودن آنهاست

القمی، أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۶۶، تحقیق: الشيخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

مرحوم کلینی همین مضمون را با بدون ذکر سلسله سند عبارت " وفي رواية أخرى حنكوا أولادكم ... " نقل نموده است

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۶، ص ۲۴، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

لازم به ذکر است نووی شارح صحیح مسلم، ذیل روایتی که در آن از تحنیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخن به میان آمده دقیقاً همین مطلب را متذکر می‌شود. او می‌گوید:  
وفیه حمل المولود إلى واحد من أهل الصلاح والفضل یحنکه بثمره لیكون أول ما یدخل فی جوفه ریق الصالحین فی تبرک.

در این روایت آوردن نوزاد نزد افراد صالح برای تحنیک استفاده می‌شود تا آنکه اول چیزی که داخل دهان نوزاد می‌شود آب دهان این افراد پرهیزکار بوده و از این رهگذر متبرک شوند.

النووی الشافعی، محیی الدین أبو زکریا یحیی بن شرف بن مر بن جمعة بن حزام (متوفای ۶۷۶ هـ)، شرح النووی علی صحیح مسلم، ج ۱۴، ص ۱۰۰، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، الطبعة الثانية، ۱۳۹۲ هـ.

متن سوم: یوضع مع المیت فی قبره

در برخی روایات از گذاشتن تربت امام حسین علیه السلام در داخل قبر پرسش شده و امام علیه السلام هم آن را جائز شمردند. روشن است این عمل به جهت انتفاع میت از این تربت است.  
محمد بن أحمد بن داود عن أبيه عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري قال كتبت إلى الفقيه عليه السلام أسأله عن طين القبر يوضع مع المیت فی قبره هل يجوز ذلك؟ فأجاب: یوضع مع المیت فی قبره ویخلط بحنوطه إن شاء الله.

حمیری می‌گوید از امام علیه السلام پرسیدم آیا می‌توان مقداری از تربت را همراه میت در قبر گذاشت؟ امام علیه السلام فرمود: به همراه میت قرار داده می‌شود و با حنوط مخلوط می‌گردد.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ هـ)، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۷۶، تحقیق: السید حسن الموسوی الخرسان، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - طهران، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ ش.

متن چهارم: آخذ من طین قبر الحسین یكون عندی اطلب برکته

در برخی روایت‌ها از تربت امام حسین علیه السلام به عنوان یک وسیله‌ای که از آن طلب برکت می‌شود، سخن به میان آمده است.

حدثني أبي رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن أيوب بن نوح عن عبد الله بن المغيرة قال حدثنا أبو اليسع قال : سأل رجل أبا عبد الله عليه السلام وأنا اسمع قال: آخذ من طین قبر الحسین یكون عندی اطلب برکته قال: لا بأس بذلك.

ابوالیسع می گوید مردی از امام صادق علیه السلام پرسید مقداری از تربت امام حسین علیه السلام نزد خود نگه داشته و از آن طلب برکت می کنم. امام علیه السلام فرمود: مانعی از این کار نیست.

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۶۶، تحقیق: **الشیخ جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

### متن پنجم: الاستشفاء بتربة الحسين عليه السلام

در پاره‌ای از احادیث، از تربت امام حسین علیه السلام به عنوان وسیله‌ای برای علاج بیماریها یاد شده است به همین سبب، استشفاء به آن مورد سفارش معصومان علیهم السلام می‌باشد. این هم روشن است استفاده از تربت به قصد بهبودی و شفا، به منظور انتفاع و بهره‌وری یا همان تبرک بدان می‌باشد. در ادامه نمونه‌هایی از این سری روایتها ارائه می‌گردد:

### سند اول: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام استفاده از تربت امام حسین علیه السلام را به عنوان بهترین وسیله شفا دهنده معرفی می‌کند. با توجه به عبارت " فانا نسقيه صبياننا ونساءنا " که در این روایت خواهد آمد، امام علیه السلام، همیشه و به طور دائم از تربت به عنوان وسیله شفا دهنده برای اهل خانواده استفاده می‌نمود. لازم به ذکر است صاحب وسایل این روایت را تحت عنوان "باب استحباب الاستشفاء بتربة الحسين عليه السلام والتبرك بها ... " می‌آورد

الحر العاملي، محمد بن الحسن (متوفای ۱۱۰۴هـ)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۵۲۱، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴هـ

حدثني محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري عن أبيه عن علي بن محمد بن سالم عن محمد بن خالد عن عبد الله بن حماد البصري عن عبد الله بن عبد الرحمان الأصم قال حدثنا مدلج عن محمد بن مسلم قال : خرجت إلى المدينة وانا وجع فأرسل إلي أبو جعفر عليه السلام شرابا مع غلام فناولنيه الغلام وما أقدر على النهوض قبل ذلك على رجلي فلما استقر الشراب في جوفي فكأنما نشطت من عقال فأتيت بابه فاستأذنت عليه ... ثم قال يا محمد ان الشراب الذي شربته فيه من طين قبر الحسين عليه السلام وهو أفضل ما استشفى به فلا نعدل به فانا نسقيه صبياننا ونساءنا فنرى فيه كل خير فقلت له: جعلت فداك انا لناخذ منه ونستشفى به فقال: يأخذه الرجل فيخرجه من الحائر وقد أظهره فلا يمر بأحد من الجن به عاهة ولا دابة ولا شيء به آفة الا

شمه فتذهب برکته فیصیر برکته لغیره وهذا الذي نتعالج به لیس هکذا ولولا ما ذکرک لک ما یمسح به شی ولا شرب منه شی الا آفاق من ساعته.

محمد بن مسلم می گوید من به مدینه رفتم در حالی که دردمند بودم محضر امام باقر علیه السلام رساندند که محمد بن مسلم دردمند است حضرت شربت تری توسط غلامش برایم فرستادند. غلام گفت این را بیاشام زیرا حضرت به من امر فرموده اند تا تو این را نیاشامیده ای من از نزدت نروم پس شربت را گرفتم بوی مشک از آن می آمد شربت پاکیزه، طعمی خنک داشت وقتی آن را نوشیدم غلام به من گفت: آقایت فرموده: وقتی شربت را خوردی به نزدش حاضر شو. وقتی شربت در جوف من قرار گرفت گویا از بند رها شدم پس درب منزل حضرت آمده از آن جناب اذن خواستم ... امام فرمود: ای محمد، شربت که نوشیدی در آن تربت قبر حسین علیه السلام بود و آن بهترین دارویی است که به منظور استشفاء مصرف می کنند و با آن هیچ دوائی را برابر و مساوی ندان. ما به اطفال و زنان خود آن را می خورانیم و در آن هر خیر و خوبی را دیده ایم. خدمتش عرضه داشتم: فدایت شوم از آن برداشته و استشفاء به آن بجوئیم؟ حضرت فرمودند: بسا شخصی آن را اخذ کرده و با خود از حائر بیرون می برد و بر دیگران اظهار نموده و مخفی نمی کند پس به جنی مرور می کند که در او مرض و بیماری بوده یا به حیوان و موجودی که دارای آفت است می گذرد پس آن را می بویند و برکنش زائل گشته و بدین ترتیب برکت آن برای غیر مصرف می شود اما تربتی را که ما با آن دردها را معالجه می کنیم این طور نیست و اگر دیگران نیز رعایت کنند و آنچه را که برایت گفتم منظور داشته و تربت مأخوذ را از منظر دیگران بر حذر داشته و در معرض قرار ندهند مسلماً با هیچ شیئی تماس پیدا نکرده و هیچ کسی از آن تناول ننموده مگر آنکه در همان ساعت از مرض و بیماری که دارد آفاقه پیدا می کند.

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۶۲، تحقیق: **الشیخ جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

**سند دوم: ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام**

امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی در خصوص شفا بخش بودن تربت، آن را تایید و محدوده آن را هم بیان می کند.

حدثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار عن جده علي ابن مهزيار عن الحسن بن سعيد ، عن عبد الله بن عبد الرحمان الأصم قال حدثنا أبو عمرو و شيخ من أهل الكوفة عن أبي حمزة الثمالي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنت بمكة - وذكر في حديثه - قلت: جعلت فداك اني رأيت أصحابنا يأخذون من طين الحائر ليستشفون به هل في ذلك شيء مما يقولون من الشفاء قال: **يستشفى بما بينه وبين القبر على رأس أربعة أميال ...**

ابو حمزه ثمالی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل می کند: من در مکه بودم (در اثناء حدیثش گفت): فدایت شوم می بینم اصحابمان را که تربت حائر را برای استشفاء اخذ می کنند آیا اینکه می گویند در این تربت شفاء هست درست است؟ امام علیه السلام فرمودند: استشفاء می شود به تربتی که از قبر تا رأس چهار میلی قرار گرفته است....

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۴۷۰، تحقیق: **الشیخ جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

### **سند سوم: حارث بن مغیره از امام صادق علیه السلام**

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام جهت درمان بیماریها، استفاده از تربت امام حسین علیه السلام را سفارش می کند.

أخبرنا ابن خشیش عن محمد بن عبد الله قال حدثنا حميد بن زياد الدهقان إجازة بخطه في سنة تسع وثلاث مائة قال حدثنا عبید الله بن أحمد بن نهيك أبو العباس الدهقان قال حدثنا سعيد بن صالح قال حدثنا الحسن بن علي ابن أبي المغيرة عن الحارث بن المغيرة النصري قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني رجل كثير العلل والأمراض وما تركت دواء تداويت به فما انتفعت بشئ منه فقال لي أين أنت عن طين قبر الحسين بن علي عليه السلام فإن فيه شفاء من كل داء وأمان من كل خوف ... قلت: قد عرفت الشفاء من كل داء فكيف الأمان من كل خوف؟ فقال إذا خفت سلطاناً أو غير سلطان فلا تخرجن من منزلك إلا ومعك من طين قبر الحسين عليه السلام فتقول: اللهم إني أخذته من قبر وليك فاجعله لي أماناً قال الحارث بن المغيرة: فأخذت كما أمرني وقلت ما قال لي فصح جسمي وكان لي أماناً من كل ما خفت وما لم أخف كما قال أبو عبد الله عليه السلام فما رأيت مع ذلك بحمد الله مكروها ولا محذورا.

حارث بن مغیره می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم من دچار بیماریهای فراوان هستم و از هر دارویی هم استفاده نمودم افاقه نکرد امام علیه السلام فرمود چرا از تربت حسین علیه السلام استفاده نمی کنی همانا شفای هر دردی در آن است و موجب امنیت و در امان بودن انسان است. عرض کردم شفا بخش بودن آن را دانستم اما چگونه موجب در امان بودن از هر خوفی است؟ امام علیه السلام فرمود: هر گاه از حاکم یا غیر او، ترسیدی از منزلت خارج مشو مگر آنکه مقداری از تربت امام حسین علیه السلام به همراه تو باشد سپس می گویی "اللهم إني أخذته من قبر وليك فاجعله لي أماناً" حارث بن مغیره می گوید: به گفته امام علیه السلام عمل نمودم و در اثر آن جسمم بهبود یافت و موجب امنیتم از آنچه که می هراسیدم گشت و از آن به بعد دیگر کسالتی در جسم و چیزی که از آن بهراسم، ندیدم.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الأمالی، ص ۳۱۸، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثه، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ

**سند چهارم: ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام**

همچنین ابن قولویه روایتی را در همین فضا با سند خود از ابو حمزه ثمالی و او از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

حدثني أبو عبد الرحمان محمد بن أحمد بن الحسين العسكري قال حدثنا الحسن بن علي بن مهزيار عن أبيه عن محمد بن أبي عمير عن محمد بن مروان عن أبي حمزة الثمالي قال الصادق عليه السلام: إذا أردت حمل الطين من قبر الحسين عليه السلام فاقراً فاتحة الكتاب و المعوذتين و قل هو الله أحد ... و تقول: اللهم بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين و بحق الأئمة الراشدين عليهم السلام و بحق هذه التربة اجعل هذا الطين شفاء لي و لمن يستشفى به من كل داء و أماناً من كل خوف و انفعني بها.

امام صادق علیه السلام: هر گاه خواستی تربت از قبر حسین علیه السلام برداری و با خود ببری ابتداء فاتحه کتاب و و المعوذتين و قل هو الله أحد ... و سپس بگو بار خدایا به حق محمد و علي بن ابي طالب و فاطمه و حسن و حسين و به حق پیشوایان که هادیان و راهنمایان هستند و به حق این تربت آن را برای من و برای هر کس که با آن استشفاء می جوید شفاء از هر درد و مرض و امان از هر خوف و هراسی قرار بده.

القمی، ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۷۵، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

**سند پنجم، ششم: هفتم: امام عسکری علیه السلام، عمر بن واقد، علی بن احمد بزاز از امام کاظم علیه السلام**

در پاره‌ای از روایت‌ها استشفاء به تربت امام حسین علیه السلام از زبان امام کاظم علیه السلام به ثبت رسیده است. شیخ صدوق با سند خود از عمر بن واقد در این باره اینگونه آورده است:

حدثنا تمیم بن عبد الله بن تمیم القرشي رضي الله عنه قال : حدثني أبي عن أحمد بن علي الأنصاري عن سليمان بن جعفر البصري عن عمر بن واقد إن سيدنا موسى عليه السلام دعا بالمسيب وذلك قبل وفاته بثلاثة أيام فقال له يا مسيب ... لا تأخذوا من تربتي شيئاً لتبركوا به فإن كل تربه لنا محرمة إلا تربه جدي الحسين بن علي عليهما السلام فإن الله تعالى جعلها شفاء لشيعتنا وأوليائنا.

عمر بن واقد می گوید: سرورمان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام سه روز قبل از وفاتش مسیب را خواست و به او فرمود ... از تربتم برای تبرک چیزی برنارید زیرا تربت‌های ما همگی حرام است به جز تربت جدم حسین بن علی علیهما السلام که خداوند تربت آن بزرگوار را برای شیعیان و اولیاء ما، شفاء قرار داده است. **القمی، ابی جعفر الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲ ص ۹۴ الی ۹۶، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م**

طبری امامی همین روایت را با سند خود از امام عسکری علیه السلام چنین نقل می کند:  
**حدثنا أبو المفضل محمد بن عبد الله قال حدثنا جعفر بن محمد بن مالك الفزاري قال حدثني محمد بن إسماعيل الحسيني عن أبي محمد الحسن بن علي الثاني عليه السلام إن موسى عليه السلام قبل وفاته بثلاثة أيام دعا المسيب وقال له ...**

**الطبری، ابی جعفر محمد بن جریر بن رستم (متوفای قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۳۱۳، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسه البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳**

حسین بن همدان خصیبی نیز همین متن را با سند ذیل از علی بن احمد بزاز، آورده است:  
**بهذا الاسناد (قال الحسين بن حمدان الخصيبي حدثني جعفر بن محمد بن مالك عن إبراهيم بن زيد النخعي عن الخليل بن محمد عن أحمد البزاز وكان أبي الحسن موسى عليه السلام) عن علي بن أحمد البزاز ...**

**الخصيبي، الحسين بن حمدان (متوفای ۳۳۴هـ)، الهدایة الكبرى، ص ۲۶۵، ناشر: مؤسسه البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع - بیروت - لبنان، چاپ: الرابعة، سال چاپ: ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱ م**

لازم به ذکر است فقره " لا تأخذوا من تربتي لتبرکوا بها فإن کل تربه لنا محرمة إلا تربه جدي الحسين عليه السلام " که در ابتدای سه روایت فوق بیان گردیده، ظهور در عدم جواز تبرک به تربت سایر معصومان علیهم السلام غیر از امام حسین علیه السلام دارد. در جواب از این فقره می گوئیم: تبرک گونه‌های مختلفی دارد و مقصود از این روایات، تنها حرمت تبرک جویی از تربت سایر معصومان علیهم السلام از طریق اکل می‌باشد نه به طور مطلق. صاحب وسائل هم روایت امام کاظم علیه السلام را تحت عنوان " باب تحريم أكل الطين حتى قبور الأئمة عليهم السلام الا طين قبر الحسين عليه السلام " می‌آورد. علامه مجلسی نیز ذیل برخی روایات دال بر جواز تبرک به تربت سایر ائمه علیهم السلام، مطلب فوق را وجه جمع میان این دو طیف اخبار می‌داند و می‌گوید:



هذا الخبر " يستشفى بما بينه وبين القبر وكذلك قبر جدي رسول الله صلى الله عليه وآله وكذلك طين قبر الحسن وعلي ومحمد " يدل على جواز الاستشفاء بطين قبر الرسول صلى الله عليه وآله وسائر الأئمة عليهم السلام ولم يقل به أحد من الأصحاب ومخالف لسائر الاخبار عموما وخصوصا ويمكن حمله على الاستشفاء بغير الأكل كحملها والتمسح بها وأمثال ذلك.

المجلسي، محمد باقر (متوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٥٧، ص ١٥٦، تحقيق: محمد الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

**سند هشتم: يونس بن ربيع از امام صادق عليه السلام**

أحمد بن محمد عن الحسين بن علي عن يونس بن الربيع عن أبي عبد الله عليه السلام: إن عند رأس الحسين عليه السلام لتربة حمراء فيها شفاء من كل داء إلا السام قال: فأتينا القبر بعد ما سمعنا هذا الحديث فاحترفنا عند رأس القبر فلما حفرنا قدر ذراع ابتدرت علينا من رأس القبر مثل السهلة حمراء قدر الدرهم فحملناها إلى الكوفة فمزجناه وأقبلنا نعطي الناس يتداونون بها.

امام صادق عليه السلام: نزد سر مبارک حسین علیه السلام تربت قرمزی است که در آن شفاء هر دردی غیر از مرگ می باشد یونس بن ربيع می گوید: بعد از اینکه این حدیث را شنیدم نزد قبر حاضر شده و طرف سر قبر را حفر کردیم و چون به قدر یک ذراع کنديم از راس قبر خاکهائی مثل ریگهای ریزی که آب آنها را با خود می آورد بر ما ریخت، رنگ آنها قرمز و اندازه شان قدر یک درهم بود آنها را با خود به کوفه آورده پس ممزوج و عجینشان کرده و پنهانشان نمودیم و بعد به تدریج از آن به مردم داده تا با آن مریض های خود را مداوا کنند.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨هـ)، الكافي، ج ٤، ص ٥٨٨، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢هـ.ش.

ابن قولويه همين روايت را با سند ذيل نقل می کند:

حدثني أبي رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن يعقوب ابن يزيد عن الحسن بن علي عن يونس بن ربيع (الربيع) عن أبي عبد الله عليه السلام ...

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفى ٣٦٧هـ)، كامل الزيارات، ص ٤٦٨، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ١٤١٧هـ.

**سند نهم: حضرمي از امام صادق عليه السلام**

حدثني محمد بن الحسين بن مت الجوهري عن محمد بن أحمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن محمد بن إسماعيل عن الخيري عن أبي ولاد عن أبي بكر الحضرمي عن أبي عبد

الله عليه السلام : لو أن مريضا من المؤمنين يعرف حق أبي عبد الله عليه السلام وحرمة وولايته  
أخذ من طين قبره مثل رأس أنملة كان له دواء.

اگر مريضی از اهل ایمان که به حق ابا عبد الله آگاه و عارف است و به حرمت و ولایت آن جناب آشنا  
است از تربت قبرش به مقدار سر بند انگشت بردارد همان برای او دواء می‌باشد.

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۶۵، تحقیق: **الشیخ  
جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

**سند دهم: عبد الله بن سنان از امام صادق عليه السلام**

حدثني علي بن الحسين عن علي بن إبراهيم عن إبراهيم ابن إسحاق النهاوندي عن عبد  
الله بن حماد الأنصاري عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام: إذا تناول أحدكم من  
طين قبر الحسين عليه السلام فليقل: اللهم إني أسألك بحق الملك الذي تناوله والوصي الذي  
ضمن فيه ان يجعله شفاء من كل داء كذا وكذا وتسمي ذلك الداء

هر گاه کسی از شما تربت قبر حسین علیه السلام را تناول کرد بگوید: بار خدایا از تو درخواست می‌کنم  
به حق فرشته‌ای که آن را اخذ نموده و رسولی که آن را جای داده و وصی که در آن پنهان شده آن را شفاء از هر  
دردی قرار بده و نام دردهای مورد نظر را ببرند

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۶۹، تحقیق: **الشیخ  
جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

**سند یازدهم: عطیه از امام صادق عليه السلام**

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى عن أبيه عن الحسن بن محبوب عن مالك  
بن عطية عن أبيه عن أبي عبد الله عليه السلام: إذا أخذت من تربة المظلوم ووضعتها في فيك  
فقل: اللهم إني أسألك بحق هذه التربة وبحق الملك الذي قبضها والامام الذي حل فيها ان تصلي  
على محمد وال محمد وان تجعل لي فيها شفاء نافعا ورزقا واسعا وأمانا من كل خوف وداء فإنه  
إذا قال ذلك وهب الله له العافية وشفاه.

آنگاه که از تربت حسین علیه السلام گرفته و در دهانت گذاشتی، بگو: خداوندا از تو درخواست می‌کنم  
به حق این تربت و به حق فرشته‌ای که آن را گرفت و امامی که در آن است اینکه درود فرستی بر محمد و  
خاندانش و شفای نافع، روزی با وسعت و امنیت از هر خوف و دردم را در آن قرار دهی. پس خداوند به او  
بهبودی خواهد بخشید.

القمی، اَبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۷۷، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

**سند دوازدهم: ابو جعفر موصلی از امام باقر علیه السلام**

حدثني حكيم بن داود عن سلمة عن علي بن الريان بن الصلت عن الحسين بن أسد عن أحمد بن مصقلة عن عمه عن أبي جعفر الموصلي عن أبي جعفر عليه السلام: إذا اخذت طين قبر الحسين عليه السلام فقل: اللهم بحق هذه التربة وبحق الملك الموكل بها وبحق الوصي الذي هو فيها صل على محمد وآل محمد واجعل هذا الطين شفاء لي من كل داء وأمانا من كل خوف.

هر گاه که از تربت حسین علیه السلام برداشتی بگو: خدایا به حق این تربت و به حق فرشته موکل بر آن و به حق امام موجود در آن، بر محمد و خاندانش درود فرست و این تربت را شفای هر دردم و موجب امنیت هر ترسم قرار ده.

القمی، اَبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۷۰، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

**سند سیزدهم: بعض الرجال از امام صادق علیه السلام**

حدثني أبي رحمه الله وجماعة عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى بن عبيد عن محمد بن إسماعيل البصري عن بعض رجاله عن أبي عبد الله عليه السلام: طين قبر الحسين عليه السلام شفاء من كل داء وإذا أكلته فقل: بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من كل داء.

امام صادق علیه السلام: خاک قبر حسین علیه السلام شفای هر دردی است و هرگاه که آن را خوردی بگو: بسم الله وبالله. خدیا آن را موجب روزی با وسعت، دانش نافع و شفای هر درد، قرار ده.

القمی، اَبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۷۶، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

**سند چهاردهم: سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام**

حدثني محمد بن الحسن بن محمد بن الحسن الصفار عن عباد بن سليمان عن سعد بن سعد قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن الطين فقال: اكل الطين حرام مثل الميتة والدم ولحم الخنزير الا طين قبر الحسين فان فيه شفاء من كل داء وامننا من كل خوف.

خوردن هر خاکی حرام است همچنانکه خوردن میتة، گوشت خوک و خون چنین است به جز تربت امام حسین علیه السلام که شفای هر درد و امان از هر خوفی در آن است

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۷۸، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ  
بررسی اسناد

درباره سند این دسته از روایتها (تبرک به تربت) باید گفت به لحاظ حجم بالای آن در رتبه تواتر معنوی است. (تواتر معنوی در مواردی اطلاق می‌شود که دسته‌ای از اخبار به جهت کثرت تعداد راویان آن، مفید یقین بوده و همه آنان با وجود اختلاف در لفظ، معنا و مضمون واحدی را افاده نمایند. کنی، ملا علی، توضیح المقال فی علم الرجال، ۲۶۸؛ مامقانی، عبد الله، مقباس الهدایه فی علم الدرایه، ۱۰۱/۱) به همین سبب از بررسی اسناد این روایات، بی‌نیازیم.

#### ۷. تبرک به قبر امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام، استلام قبر امام حسین علیه السلام یا همان دست کشیدن بدان را از جمله اعمال زیارت آن حضرت، سفارش می‌کند. چنین عملی، تبرک و انتفاع از قبر را به همراه دارد. ابن قولویه این روایت را به طور مفصل نقل می‌کند. بخشی از آن چنین است:

حدثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري ومحمد بن الحسن جميعا عن الحسن بن علي بن مهزيار عن أبيه علي بن مهزيار عن محمد بن أبي عمير عن محمد بن مروان عن أبي حمزة الثمالي قال : قال الصادق عليه السلام : إذا أردت المسير إلى قبر الحسين عليه السلام ... اغتسل قبل خروجك ... ثم تدنو قليلا من القبر ... وقل يا سيدي بكيتك يا خيرة الله وابن خيرته وحق لي أن أبكيك ثم استلم القبر وقل السلام عليك يا أبا عبد الله يا ابن رسول الله أشهد أنك عبد الله وأمينه...

هنگامی که خواستی به زیارت قبر امام حسین علیه السلام بروی ... غسل کن ... سپس نزدیک قبر می‌شوی ... و بگو ای آقای من گریستم بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده حق بر من است که بر تو بگرم آنگاه دست به قبر بکش و بگو: درود بر تو ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین او هستی.

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۳۹۳، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

## ۸. تبرک به تربت رسول خدا، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر علیهم السلام

رهاورد برخی از روایت‌ها، جواز تبرک به تربت رسول خدا و عده‌ای از معصومان علیهم السلام است. البته همانطور که در این نگارش بدان اشارت رفت جمع میان این طایفه از روایات و روایات مانعه، آن است که بگوییم مقصود این طایفه، گونه‌های خاصی از بهره‌مندی و تبرک به تربت سایر ائمه علیهم السلام غیر از خوردن مانند دست کشیدن، به همراه داشتن تربت آنان می‌باشد. متن روایت این است:

حدثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار عن جده علي ابن مهزيار عن الحسن بن سعيد ، عن عبد الله بن عبد الرحمان الأصبم قال حدثنا أبو عمرو شيخ من أهل الكوفة عن أبي حمزة الثمالي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كنت بمكة - وذكر في حديثه - قلت: جعلت فداك اني رأيت أصحابنا يأخذون من طين الحائر ليستشفون به هل في ذلك شيء مما يقولون من الشفاء قال: يستشفى بما بينه وبين القبر على رأس أربعة أميال وكذلك قبر جدي رسول الله صلى الله عليه وآله وكذلك طين قبر الحسن وعلي ومحمد فخذ منها فإنها شفاء من كل سقم وجنة مما تخاف ولا يعدلها شيء من الأشياء التي يستشفى بها الا الدعاء.

ابو حمزه ثمالی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: من در مکه بودم (در اثناء حدیثش گفت): فدایت شوم می‌بینم اصحابمان را که تربت حائر را برای استشفاء اخذ می‌کنند آیا اینکه می‌گویند در این تربت شفاء هست درست است؟ امام علیه السلام فرمودند: استشفاء می‌جویند به تربتی که از قبر تا رأس چهار میلی قرار گرفته و شفاء حاصل می‌شود و همچنین است قبر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز همین طور است تربت قبر امام حسن و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم السلام، پس از تربت این قبور اخذ کن که شفاء است برای هر دردی و حافظ است از آنچه خوف و هراسی داری و هیچ دارویی معادل آن نبوده مگر دعاء.

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۴۷۰، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

## ۹. تبرک بواسطه زیارت ائمه علیهم السلام

امام علی علیه السلام از قول پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که عده‌ای از اُمت من در روزگار آینده فرزندان مرا زیارت نموده و به واسطه آن، خیر و برکت طلب می‌نمایند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رهایی از سختیهای قیامت را برای این دسته از اُمت خویش تضمین

نموده است. روایت فوق یک بار در کامل الزیارات ابن قولویه و یک بار هم در امالی شیخ طوسی به ثبت رسیده است.

سند اول: ابن قولویه از جابر از امام باقر از امیر مومنان علیهما السلام

حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى عن صفوان بن يحيى عن الحسين بن أبي غندر عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام: زارنا رسول الله صلى الله عليه وآله وقد أهدت لنا أم أيمن لبنا وزبدا وتمرا فقدمنا منه فأكل ثم قام إلى زاوية البيت فصلى ركعات فلما كان في آخر سجوده بكى بكاء شديدا فلم يسأله أحد منا اجلالا واعظاما له فقام الحسين عليه السلام وقعد في حجره فقال: يا ابه لقد دخلت بيتنا فما سررنا بشئ كسرورنا بدخولك ثم بكيت بكاء غمنا فما أبكاك فقال: يا بني أتاني جبرئيل عليه السلام أنفا فأخبرني انكم قتلي وان مصارعكم شتى فقال: يا ابه فما لمن يزور قبورنا على تشتها فقال: يا بني أولئك طوائف من أمتي يزورونكم **فيلتمسون** **بذلك البركة** وحقيق علي ان اتيهم يوم القيامة حتى أخلصهم من أهوال الساعة ومن ذنوبهم ويسكنهم الله الجنة.

امام علی علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به زیارت ما آمدند و قبلا ام ایمن برای ما شیر و سر شیر و خرما هدیه داده بود لذا به منظور پذیرائی از حضرت آنها را مقابلش نهادیم حضرت میل فرموده سپس ایستادند و به گوشه‌ای از خانه تشریف برده و چند رکعت نماز خواندند در آخرین سجده به شدت گریستند احدی از ما به منظور اجلال و تعظیم از آن وجود مبارک سؤال نکرد که سبب گریستن شما چیست در این هنگام حسین علیه السلام ایستاد و سپس در دامن رسول خدا نشست عرض نمود: ای پدر به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را این مقدار مسرور نمود سپس گریستی بطوری که ما را مغموم و محزون کردی سبب گریستن شما چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: پسرم هم اکنون جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می‌کشند و قبور شما متفرق و پراکنده است. امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای پدر چه ثوابی است برای کسی که این قبور متفرق و پراکنده را زیارت کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پسرم زائرین شما گروهی از امت من بوده که درخواستشان از زیارت شما حصول برکت می‌باشد و سزاوار است که من روز قیامت به نزدشان رفته و آنها را از هول و وحشت قیامت رهانیده و از گناهانی که کرده‌اند خلاصشان بنمایم و سپس حقتعالی آنها را در بهشت جای می‌دهد.

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۱۲۶، تحقیق: **الشیخ**

جواد القیومی، **لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ**

سند دوم: شیخ طوسی از جابر از امام باقر از امیر مومنان علیهما السلام

أخبرنا الحسين بن إبراهيم القزويني حدثنا أبو عبد الله محمد بن وهبان حدثنا أبو القاسم علي بن حبشي حدثنا أبو الفضل العباس بن محمد بن الحسين حدثنا أبي حدثنا صفوان بن يحيى عن الحسين بن أبي غندر عن عمرو بن شمر عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام ...

الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الأمالی، ص ۶۶۹، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ

۱۰. تبرک امام صادق علیه السلام به عمامه امام سجاد علیه السلام (روایت دارای سند صحیح است)

امام کاظم علیه السلام فرمودند پدرم را در یک تکه از لباسش، همچنین دو تکه از لباسی که با آن محرم می شد و عمامه‌ای که برای امام سجاد علیه السلام بوده، کفن نمودم. بدیهی است استفاده نمودن عمامه امام سجاد علیه السلام به عنوان کفن به جهت تبرک می باشد. کلینی در این باره دو روایت که یکی از این دو با سند صحیح و معتبر هم می باشد، نقل می کند.

سند اول: یونس بن یعقوب از امام کاظم علیه السلام

سعد بن عبد الله عن أبي جعفر محمد بن عمر بن سعيد عن يونس بن يعقوب عن أبي الحسن الأول عليه السلام قال سمعته يقول: أنا كفنت أبي في ثوبين شطويين كان يحرم فيهما وفي قميص من قمصه وفي عمامة كانت لعلي بن الحسين عليهما السلام وفي برد اشتراه بأربعين ديناراً.

یونس بن یعقوب گوید: شنیدم موسس بن جعفر علیه السلام می فرمود: من پدرم را در دو جامه شطوی که لباس احرامش بود و نیز با یکی از پیراهنهای خودش و عمامه علی بن الحسین علیهما السلام و بردی که آن را به چهل دینار خریده بود کفن کردم.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۶، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

جلالت قدر سعد بن عبد الله اشعری در همین نوشتار بیان گردید. محمد بن عمرو بن سعید هم نجاشی درباره او می گوید: ثقة عین (مورد وثوق و بزرگ است)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعۀ المشتهر ب رجال النجاشی، ص ۳۶۹، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسۀ النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

لازم به ذکر است در این روایت محمد بن **عمر** بن سعید، ثبت شده است اما این شخص همان محمد بن **عمرو** بن سعید است. در روایت بعدی از مرحوم کافی هم کلمه "عمرو" به جای "عمر" به کار رفته است.

نجاشی آخرین راوی یعنی یونس بن یعقوب را اینگونه می‌ستاید:

اختص بأبي عبد الله وأبي الحسن عليهما السلام ومات بالمدينة في أيام الرضا عليه السلام وكان حظيا عندهم موثقا.

(از جمله یاران امام صادق و کاظم علیهما السلام بود و در دوران امام رضا علیه السلام از دنیا رفت و نزد آنان (ائمہ) انسانی قابل اعتماد و مورد وثوق بود).

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعۀ المشتهر ب رجال النجاشی، ص ۴۶۶، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسۀ النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

سند دوم: یونس بن یعقوب از امام کاظم علیه السلام

مرحوم کلینی همان متن را با سند ذیل نیز به ثبت رساند:

عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن محمد بن عمرو بن سعيد عن يونس ابن يعقوب عن أبي الحسن الأول عليه السلام ...

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۳، ص ۱۴۹، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

### نتیجہ کلی:

گزارش‌های مربوط به بهره‌وری و تبرک به آثار اولیاء و معصومان علیهم السلام بعد از حیات‌شان، حجم قابل توجهی از میراث روایی امامیه را به خود اختصاص داده است. این احادیث علاوه بر آنکه مجموعاً در حد متواتر بوده و قطع به صدور آن پیدا می‌شود، تعداد قابل توجهی از آنها مطابق قواعد علم رجال اعتبار و اتقان کافی برای پذیرش را هم دارند.



